ذره‌بین

پیام‌های کناررفتن مرکل و کورتس از مسؤولیت در آلمان و اتریش

حفره‌ای بزرگ در محافظه‌کاری اروپایی

به‌محض تشکیل دولت جدید آلمان و برگزاری انتخابات بعدی در اتریش به احتمال زیاد دیگر یک دولت راست‌میانه بین دریای بارنتز در شرق دور اروپا و جبل‌الطارق در غرب دور وجود نخواهد داشت چراکه رهبران دو کشور همسایه یعنی آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان و همتای اتریشی او سباستین کورتس، دیگر در مسؤولیت خود نخواهند بود. مرکل قبل از شکست حزب اتحادیه دموکراتیک مسیحی (CDU) در انتخابات عمومی ۲۶سپتامبر که بدترین نتیجه تاریخی را به‌همراه داشت خروج خود از قدرت را اعلام کرده بود و کورتس هم ۹اکتبر در مواجه با اتهامات فساد استعفا داد. با این شکست‌های سنگین برای راست‌میانه اروپا در کنار ضعیف‌شدن احزاب دموکراتیک مسیحی در ایتالیا و فرانسه، جایی که آنها ستون‌فقرات جمهوری‌های پس از جنگ را تشکیل دادند-همانطور که در آلمان و اتریش نیز چنین بود-محافظه‌کاری مسیحی در اروپا بدون رهبر می‌ماند.

اگر CDU آلمان(حزب اتحادیه دموکراتیک مسیحی) نتواند به‌موقع قامت راست کند و دوباره به‌عنوان یک حزب محافظه‌کار جذاب و معتدل تثبیت شود، خطر واقعی برای اروپا وجود دارد اما نشانه‌ها حاکی از این است که شاهد یک نبرد داخلی طولانی‌مدت در این حزب خواهیم بود که می‌تواند حزب را برای مدتی تحت‌تأثیر قرار دهد و به‌این‌ترتیب واضح‌ترین صدای دموکراسی مسیحی-که چراغی برای محافظه‌کاران راست میانه در سراسر قاره بود-در زمانی که به‌شدت موردنیاز است، خاموش می‌شود. چنین خلأیی می‌تواند توسط راست‌افراطی مورد سوءاستفاده قرار گیرد، همانطور که در فرانسه و ایتالیا شاهد چنین مساله‌ای بودیم. در سراسر اروپای مرکزی، ضعف یا غیبت کامل احزاب کلاسیک دموکراتیک مسیحی راه را برای احزاب پوپولیستی ملی مانند فیدز ویکتور اوربان در مجارستان، قانون و عدالت کاچینسکی‌ها در لهستان و حزب دموکراتیک اسلوونی باز کرد.

از آنجایی که مرکل سال ۲۰۱۸ از رهبری حزب CDU کناره‌گیری کرد، این حزب پس از ۱۸سال به‌سختی تلاش‌کرده تا از زیر سایه او بیرون بیاید اما چهره رقت‌انگیز آرمین لاشت، نامزد صدراعظمی آلمان یکی از علامت‌های افول حزب دموکرات مسیحی است.

مرکل هرگز ادعا نکرد که سیاستمداری با ایده‌های جدید و چشم‌اندازهای ابتکاری برای آلمان است بلکه همواره خود را به‌عنوان کارگزار و یک مدیر بحران و فردی که می‌تواند با بودجه‌های متوازن، مشکلات اقتصادی را رفع و رجوع کند، مطرح کرد. فایننشال تایمز سال ۲۰۱۳ نوشت: صدراعظم آلمان عمیقا محتاط است. او از بیان هر چیزی که ممکن است چشم‌انداز نامیده شود متنفر است. او برای ایدئولوژی وقت ندارد. او دکترین دوران کهل را اصلاح کرد اما هرگز الگوی تازه‌ای از محافظه‌کاری اروپایی ارائه نداد.

علاوه بر عملگرایی، گویاترین دارایی او همیشه شخصیت خودش بود: به‌عنوان یک زن از آلمانی‌شرقی، پروتستان نه کاتولیک، بدون فرزند، مطلقه و ازدواج مجدد و دانشمند.

مرکل با تکیه بر همین شخصیت بود که توانست بارها استراتژی مبارزات انتخاباتی افسانه‌ای خود را اجرا کند. او بارها با پنهان‌کردن عمدی مسائل روز و کم‌اهمیت جلوه‌دادن تلخ‌ترین اختلافات با رقبا پیروز شد. در حالی که این ممکن است یک استراتژی برنده برای مرکل بوده باشد، به‌نظر می‌رسد که دیگر محافظه‌کاران نمی‌توانند آن را تکرار کنند. در اتریش هم کورتس در یک رسوایی فساد، کارش به استعفا کشید و به‌نظر می‌رسد در آلمان و در واقع فراتر از آن ناتوانی راست‌میانه، دموکراسی اروپایی را بیش‌ازپیش از بین خواهد برد.

منبع: foreignpolicy.com

هشدار چین به «گروه ۲۰» درباره هرگونه مداخله در امور تایوان

وانگ‌یی، وزیر خارجه چین در بیانیه‌ای در آستانه شروع نشست رهبران گروه ۲۰ در رم ایتالیا به آمریکا و متحدانش در زمینه هرگونه مداخله در امور تایوان هشدار داد. وانگ‌یی که برای حضور در این نشست در ایتالیا به سر می‌برد، با وزرای خارجه حاضر در نشست در این زمینه رایزنی و گفت‌وگو کرده‌است. وی گفت: آمریکا و برخی کشورهای دیگر اخیرا درباره تایوان دست به اقداماتی زدند که با تضمین‌هایی که در زمان برقراری روابط دیپلماتیک با جمهوری خلق چین به پکن دادند، مغایرت دارد. /پالتیکو

نماینده صهیونیست‌ها گزارش شورای حقوق بشر را پاره کرد

گیلعاد اردان، نماینده رژیم‌صهیونیستی در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل، گزارش شورای حقوق‌بشر این سازمان را که به جنایت‌های رژیم‌صهیونیستی اشاره کرده‌بود، پاره کرد. حسین انجام این کار گفت جای این گزارش در زباله است. در گزارش شورای حقوق بشر سازمان‌ملل به جنایت‌های رژیم‌صهیونیستی از جمله شهرک‌سازی‌ها و اوضاع حقوق بشر در کرانه باختری اشاره شده‌است. /فارس

بن سلمان و دیگر سران سعودی اکنون به نمادهای شکست در یمن تبدیل شده‌اند

پشت پرده نزاع دیپلماتیک عربستان و متحدانش علیه لبنان به بهانه اظهارات وزیر اطلاع‌رسانی این کشور چیست؟

کمپین حمایت از قاتل

سعید سبحانی

بین‌الملل

اظهارات وزیر لبنانی در محکوم کردن جنایات سعودی‌ها در یمن و مشروع دانستن مقاومت ملت یمن در برابر حملات ائتلاف متجاوز عربی، خشم ریاض و شرکای آن را برانگیخته است. پس از انتشار اظهارات جورج قرداحی، وزیر اطلاع‌رسانی لبنان در یک مصاحبه، منابع رسانه‌ای نزدیک به سعودی در لبنان به وی حمله کردند و مدعی شدند این اظهارات منجر به بحران دیپلماتیک جدید میان بیروت و ریاض خواهد شد. اکنون پس از چند روز، مقامات سعودی و بحرینی سفرای لبنان را از کشورهایشان اخراج کرده و به دیگر کشورهای حوزه خلیج‌فارس نیز در این خصوص فشار آورده‌اند. کویت نیز دیروز در اقدامی هماهنگ با عربستان و بحرین ضمن اخراج کاردار لبنان، سفیر خود را از بیروت فراخواند.

عربستان سعودی به دستور مستقیم آمریکا، رژیم اشغالگر قدس و فرانسه، نهایت تلاش خود را به کار گرفت تا لبنان را در عرصه اقتصادی و داخلی به بحران بکشاند. یکی از ریشه‌های بی‌دولتی چند ماهه در لبنان (تا قبل از استقرار دولت جدید) کارشکنی سعودی‌ها بود

وزیر لبنانی چه گفت؟

قرداحی در پاسخ به این سؤال که تحولات جاری در یمن را چگونه ارزیابی می‌کند، گفت: «تجاوز وحشیانه به یمن که هشت سال از آن می‌گذرد، باید متوقف شود. آنچه یمنی‌ها انجام می‌دهند، حقوق قانونی آنها در دفاع از خود است و من پایداری مردم یمن در قبال این تجاوز را ارج می‌نهم.» پس از ابراز این مواضع عربستان سعودی، کویت، امارات و بحرین سفرای لبنان در کشورهای خود را فراخوانده و به این اظهارات اعتراض کردند. همچنین روزنامه عکاظ گزارش کرد، گروه رسانه‌ای «ام بی سی» (متعلق به سعودی) تصمیم گرفت دفاتر خود در لبنان را ببندد و تجهیزاتش را به ریاض منتقل کند. در این حملات به وزیر اطلاع‌رسانی لبنان، یک منبع در دفتر نخست‌وزیری دولت نجات ملی یمن «عبدالعزیز بن حبتور» با جورج قرداحی در مقابله با این حملات ابراز همبستگی کامل کرد. این منبع به خبرگزاری سبأ، گفت، حمله‌ای که رسانه‌های سعودی و بوق‌های آن علیه یک شخصیت رسانه‌ای و ملی‌گراکه به انساندوستی و حرفه‌ای بودن به دور از هوس و منافع یا گرایش‌های شخصی معروف است، محکوم است.

جنبش حزب‌ا... لبنان ضمن حمایت از مواضع وزیر اطلاع‌رسانی در محکومیت تجاوز عربستان سعودی به یمن گفت که هرگونه درخواست برای برکناری وی را رد می‌کند. شبکه خبری المنار ضمن نقل این بیانیه گزارش داد: «به‌صورت قاطع هرگونه درخواست برای برکناری قرداحی یا مجبور کردن وی به استعفا را رد می‌کنیم. حزب‌ا... از موضع شجاعانه و شرافتمندانه جناب آقای جورج قرداحی، وزیر اطلاع‌رسانی در موضع رسانه‌ای، اخلاقی و میهن‌پرستانه ایشان در دفاع از مردم مظلوم یمن و توصیف این دشمنی که منجر به خونریزی و کشتار صدها هزار نفر و محاصره کل مردم در خطر گرسنگی و بیماری شده، به‌عنوان تجاوز قدردانی می‌کند. حزب‌ا... همچنین کمپین ناعادلانه عربستان، امارات و شورای همکاری خلیج‌فارس علیه قرداحی را محکوم کرده و آن را حمله به حاکمیت لبنان و آزادی شهروندان آن در بیان نظرات و مواضع خود بدون ترس و تهدید و باجگیری غیرقابل قبول می‌داند که کرامت هر لبنانی را به چالش می‌کشد. ما قاطعانه هرگونه درخواست برای برکناری وزیر یا وادار کردن وی به استعفا را رد می‌کنیم و این درخواست‌ها را حمله‌ای آشکار به لبنان، عزت و حاکمیت آن می‌دانیم. حزب‌ا... به‌ویژه مواضع برخی از سیاستمداران باجگیر و ضعیف‌النفس لبنانی و همچنین برخی از رسانه‌های لبنانی را که در این پویش پولی شرکت داشتند، محکوم می‌کند.»

به ما نگویید متجاوز!

مواضع سعودی‌ها و شرکای ریاض در شورای همکاری خلیج‌فارس نشان می‌دهد که پس از کشتار و آوارگی میلیون‌ها یمنی توسط متجاوزان سعودی، ریاض از این‌که متجاوز نامیده شود احساس خوبی ندارد! صندوق نجات کودکان در گزارش خود درباره جنگ یمن اعلام کرده که تنها بین سال ۲۰۱۸ تا سال ۲۰۲۰ بیش از ۲۳۰۰ کودک کشته شده‌اند؛ به این ترتیب یک چهارم قربانیان غیرنظامی جنگ یمن در این سه سال کودکان بوده‌اند. تلاش‌های بین‌المللی برای پایان دادن به جنگ یمن تاکنون نتیجه‌ای در پی نداشته است.

خاویر جوبرت، رئیس این صندوق گفته است: «کودکان یمن بیش از شش سال در کابوسی بی‌پایان و شرایطی هولناک زندگی کرده‌اند. کودکان در یمن تقریبا همه‌روزه در اثر جنگ کشته و زخمی می‌شوند.» گفته می‌شود تلاش‌های بین‌المللی برای پایان دادن به جنگ یمن تا کنون نتیجه‌ای در پی نداشته و سعودی‌ها به کشتار بی‌رحمانه و نسل‌کشی در یمن همچنان ادامه می‌دهند.

وحشت سعودی‌ها از پیامدهای حقوقی جنگ یمن

در این میان، منابع یمنی از شکایت خانواده‌های قربانیان جنگ ائتلاف عربی در یمن به دیوان کیفری بین‌المللی خبر دادند. ناجیان و خانواده‌های کشته‌شدگان در عملیات ائتلاف عربی در یمن اسناد و مدارکی درباره سه حادثه تأیید شده ارائه کرده و از ائتلاف عربی به دیوان کیفری بین‌المللی شکایت کردند. از جمله این حملات حمله ماه آگوست ۲۰۱۸ به اتوبوس دانش آموزان است که طی آن ۳۴ نفر کشته شدند که بیشترشان کودکان بودند. حمله موشکی سال ۲۰۱۶ به یک تشییع جنازه که به کشته شدن ۱۱۰ نفر منجر شد و همچنین شکنجه و قتل غیرنظامیان در عدن به دست مزدوران کلمبیایی تحت رهبری یک شرکت آمریکایی که با امارات قرارداد امضا کرده بود ازجمله این موارد محسوب می شود. این سازمان اعلام کرد ائتلاف عربی همچنان به محدودیت‌های خود علیه فرودگاه صنعا ادامه می‌دهد. در نتیجه این محدودیت‌ها هزاران یمنی که بیماری مزمن دارند، جان خود را از دست می‌دهند. این سازمان اعلام کرد: بستن فرودگاه صنعا خسارت‌های اقتصادی به بار آورده که بر وخامت اوضاع انسانی می‌افزاید.

یک واقعیت تلخ

ریچارد فالک، گزارشگر سابق حقوق بشر سازمان ملل متحد در خصوص آنچه در یمن می گذرد به جام جم می‌گوید: حقیقت تلخی وجود دارد که نمی‌توان آن را انکار کرد. این‌که سازمان‌های بین‌المللی به واسطه دخالت و نفوذ کشورهایی مانند آمریکا به بازیگران سیاسی تبدیل شده‌اند. همین مسأله سبب می شود سازمان ملل متحد به وظیفه ذاتی و واقعی خود در قبال بحران یمن و نسل کشی آشکار در این کشور عمل نکند. این موضوع غیر قابل قبول است. ارزش‌های انسانی ایجاب می‌کند سازمان‌های بین‌المللی مستقیم در این موارد دخالت کرده و به بحران یا جنگ پایان دهند. این اتفاق در مورد جنگ یمن نیفتاده است. از سوی دیگر، شاهد استمرار جنایات عربستان در این کشور هستیم.

رمزگشایی از بحران‌سازی سعودی‌ها در بیروت

بسیاری از تحلیلگران، عصبانیت سعودی‌ها را از اظهارات وزیر لبنانی در دفاع از ملت یمن اغراق آمیز می‌دانند. سوال اصلی این است که دلیل این خشم فوران کرده چیست؟ در این خصوص، نکات سه‌گانه‌ای وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد:

نخست این‌که سعودی‌ها به واسطه شکست در یمن، به‌شدت به لحاظ تبلیغاتی و سیاسی نیز آسیب‌پذیر شده و قدرت مواجهه عقلانی با تحولات جاری در منطقه را ندارند. نباید فراموش کرد محمد بن سلمان و دیگر سران سعودی اکنون به نمادهای شکست در یمن تبدیل شده و منازعه نظامی در این کشور را به جریان مقاومت واگذار کرده‌اند. در مقابل، سعودی‌ها با صرف هزینه‌های هنگفت رسانه ای و تبلیغاتی، ضمن سانسور جنایات متعدد خود در یمن، تلاش کرده‌اند تجاوز خود را به یمن به‌مثابه مداخله مسؤولانه جلوه دهند. اکنون اظهارنظر یک مقام لبنانی در محکومیت تجاوز سعودی‌ها به یمن، پازل تبلیغاتی آنها را نیز در کنار محاسبات نظامی ریاض بر هم زده است.

نکته دوم به توطئه مستمر سعودی‌ها در بیروت و مناسبات دوجانبه عربستان سعودی و لبنان برمی‌گردد. عربستان سعودی به دستور مستقیم آمریکا، اسرائیلی‌ها و فرانسه، نهایت تلاش خود را به کار گرفت تا لبنان را در عرصه اقتصادی و داخلی به بحران بکشاند. یکی از ریشه‌های بی‌دولتی چند ماهه در لبنان (تا قبل از استقرار دولت جدید) کارشکنی سعودی‌ها بود. سرانجام گروه‌های مقاومت با فداکاری خود، زمینه را برای استقرار یک دولت مستقل در بیروت فراهم کردند و نقشه دشمنان امنیت لبنان را به‌منظور استمرار بی دولتی دراین کشور نقش بر آب کردند. فراتر از آن در جریان محاصره اقتصادی لبنان توسط آمریکا، سعودی‌ها نه فقط کمترین کمکی به ملت لبنان نکردند، بلکه به دستور دولت‌های ترامپ و بایدن ابعاد این محاصره را گسترده‌تر کردند.

پس از ارسال سوخت از سوی ایران به لبنان و درهم‌شکستن محاصره اقتصادی بیروت، سعودی‌ها به یکی از بازندگان اصلی این معادله تبدیل شدند. آنها از یک‌سو اعتبار خود را نزد افکار عمومی لبنان بابت همراهی با استراتژی اقتصادی آمریکا علیه مقاومت از دست دادند و از سوی دیگر، مانند واشنگتن و تل‌آویو در بهت و حیرت ناشی از انجام موفقیت‌آمیز علمیات سوخت‌رسانی به لبنان قرار گرفتند. در چنین شرایطی، عصبانیت ذاتی سعودی‌ها از تحولات جاری در لبنان و بی‌ثباتی ذهنی و عقلی حاکمان ریاض در قبال تحولات جاری در این کشور قابل درک است.

پلان B دشمنان امنیت لبنان

در جریان تیراندازی به تظاهرات‌کنندگان طرفدار مقاومت در منطقه الطیونه توسط مزدوران سمیر جعجع، رهبر گروه نیروهای لبنانی، سعودی‌ها نیز مانند آمریکا، فرانسه و رژیم اشغالگر قدس امیدوار بودند این حادثه بتواند مولد منازعه‌ای تمام‌عیار و داخلی در لبنان باشد اما هوشیاری و ذکاوت گروه‌های مقاومت مانع تحقق این پروژه خطرناک شد. در حادثه تیراندازی در الطیونه، شبه‌نظامیان وابسته به القوات‌اللبنانیه به ریاست سمیر جعجع با یورش به هواداران حزب‌ا... و جنبش امل در بیروت شماری از آنها را به شهادت رساندند.

کاملا قابل پیش‌بینی بود که اتاق‌های فکر ضدمقاومت در غرب و منطقه، پس از شکست در اجرای پروژه الطیونه و ناکامی در ایجاد جنگ داخلی در لبنان، بحران‌سازی دیگری را در این کشور صورت خواهند داد. این بار، این بحران‌سازی ظاهرا شکل دیپلماتیک دارد اما در حقیقت، نشات‌گرفته از هم‌پیمانی دشمنان ملت لبنان علیه سرزمین سروهاست. بدون‌شک سعودی‌ها به‌عنوان مهره اصلی بازی واشنگتن و تل‌آویو در این بازی جدید، دوباره به شکست‌خوردگانی مطلق در بیروت تبدیل می‌شوند. به عبارت بهتر، پلان B دشمنان مقاومت نیز در نهایت راه به جایی نخواهد برد.

حقارت آمریکا و سازمان‌ملل در یمن

مقامات سعودی به جنایات خود در یمن ادامه می دهند. در این میان، آمریکا و شرکای اروپایی آن مانند فرانسه، آلمان و انگلیس به حمایت از نسل‌کشی در یمن ادامه می‌دهند. در این معادله، شاهد انفعال سازمان‌های بین‌المللی در قبال کشتار بیرحمانه کودکان یمنی هستیم. سه سال قبل و پس از بمباران اتوبوس حامل دانش‌آموزان یمنی توسط رژیم متجاوز سعودی، سناتور آمریکایی کریس مورفی اذعان کرد: «آمریکا بمباران می‌کند. آمریکا هدف قرار می‌دهد. آمریکا از حملات هوایی حمایت می‌کند و ما یک اتوبوس مدرسه را بمباران کردیم. عملیات بمباران یمن از سوی عربستان‌سعودی، امارات متحده عربی و ایالات متحده آمریکا بیش از پیش عاری از حس مسؤولیت‌پذیری شده است، غیرنظامیان بیشتری را به کشتن می‌دهد و تروریست‌ها را در داخل یمن تقویت می‌کند. ما باید به این کار خاتمه دهیم، همین حالا.»

درحالی‌که مقامات ارشد و رسمی آمریکایی، خود نیز نسبت به نقش پررنگ کاخ‌سفید در کشتار ملت یمن اذعان دارند، مقامات ارشد سازمان ملل متحد تحت تاثیر لابی‌گری با دولت آمریکا ترجیح می‌دهند سخنی دراین‌خصوص به میان نیاورند. کشورهایی مانند آمریکا، انگلیس و فرانسه که خود در حمایت سیاسی، نظامی و تسلیحاتی از سعودی‌ها در طول سه سال اخیر (از زمان آغاز جنگ یمن تاکنون) نقش داشته‌اند، هیچ‌گاه درصدد مواجهه با اقدامات وحشیانه محمد بن سلمان برنمی‌آیند. گویا از دید مقامات سازمان ملل و دیگر نهادهای بین‌المللی، اساسا اتفاقی در یمن رخ نداده و این کشور نیز جایی در نقشه جغرافیای جهان ندارد. تقسیم‌بندی ملت‌های جهان به شهروندان درجه اول و دوم و ... سیاست اعلام نشده ولی علنی غرب در قبال ساکنان کره‌زمین محسوب می‌شود. بر این اساس از دید رسانه‌ها و سیاستمداران غربی و همچنین افرادی که در سازمان ملل متحد در مسند قدرت قرار گرفته‌اند، میان ساکنان یمن و ساکنان کشورهای غربی از زمین تا آسمان فاصله وجود دارد. بی‌دلیل نبود که در دوران حضور بان کی‌مون در مسند دبیرکلی سازمان ملل متحد، وی صراحتا عربستان را از لیست سیاه سازمان ملل خارج کرد تا ذهن سعودی‌ها بیش از پیش روی کشتار بی‌رحمانه یمنی‌ها متمرکز شود. این ماجرا مدت‌هاست ادامه دارد. در هر حال، در کنار نام عربستان‌سعودی به‌عنوان بازنده اصلی جنگ یمن، نام‌های آمریکا و سازمان ملل متحد را نیز باید اضافه کرد.